

پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان  
سال چهل و نهم، دوره جدید، سال پنجم  
شماره دوم (پیاپی ۱۸)، تابستان ۱۳۹۲، ص ۵۲-۳۷

## نقش و جایگاه اقتصادی ساتراپ‌نشین‌های غربی ایران در شاهنشاهی هخامنشی (از ۵۵۰ تا ۳۳۰ پ. م)

محمدکریم یوسف جمالی\* - ناصر جدیدی\*\* - علی‌اکبر شهابادی\*\*\*

### چکیده

در این پژوهش سعی شده با نگاهی تحلیلی به ساتراپ‌نشین‌های غربی هخامنشی، آگاهی‌هایی را درباره نقش و اهمیت اقتصادی این ساتراپ‌نشین‌ها در شاهنشاهی هخامنشی به دست دهد. وضعیت اقتصادی، بازرگانی و تجاری ایران در شاهنشاهی هخامنشی از دیرباز مورد مطالعه پژوهشگران تاریخ اقتصادی و تاریخ ایران باستان بوده، اما در خصوص نقش و جایگاه اقتصادی ساتراپ‌نشین‌های غربی ایران در شاهنشاهی هخامنشی، کمتر سخن گفته شده است. یافته‌های پژوهش حاضر که بر اساس واکاوی منابع تاریخی، داده‌های باستان‌شناسانه و گزارش‌های پژوهندگان باستانی انجام گرفته و متکی بر اسناد و منابع موجود و تحقیقات روشمند تاریخی است، به روشنی نشان می‌دهد که ساتراپ‌نشین‌های غربی، به لحاظ اقتصادی، در مرکز ثقل مبادلات بین‌المللی آن عصر قرار داشته و از اهمیت و جایگاه بالایی در نظام اقتصادی هخامنشیان برخوردار بوده‌اند.

### واژه‌های کلیدی

اقتصاد، ساتراپی، ساتراپ‌نشین‌های غربی، هخامنشیان

\* دانشیار تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد [Yousef\\_jamali@phu.iaun.ac.ir](mailto:Yousef_jamali@phu.iaun.ac.ir)

\*\* استادیار تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد [n-jadidi@iaun.ac.ir](mailto:n-jadidi@iaun.ac.ir)

\*\*\* دانشجوی دکتری تاریخ ایران باستان دانشگاه آزاد اسلامی (نویسنده مسؤول) [shahabady@iaun.ac.ir](mailto:shahabady@iaun.ac.ir)

مقدمه

هخامنشی» و «بازرگانی در عصر هخامنشی» به امور اقتصادی از قبیل: تجارت جهانی، قوانین، وضع کشاورزی، برده‌داری، مالیات‌ها، نظام پولی، خزانه و بازرگانی عهد هخامنشی اشاره شده است. بنابراین می‌توان گفت تا کنون پژوهش مستقلی که زوایای مختلف اقتصادی ساتراپ‌نشین‌های غربی و اهمیت اقتصادی این ساتراپ‌نشین‌ها را تحلیل کند، صورت نگرفته است. در این مقاله تلاش شده است با استناد به منابع کتیبه‌ای و یونانی و نیز یافته‌های باستان‌شناسی، اهمیت اقتصادی ساتراپ‌نشین‌های غربی که نقش تأثیرگذاری بر ساختار و عملکرد اقتصادی دولت هخامنشی داشتند، بررسی گردد. در پایان نیز سعی شده است تا به تحلیل برخی از عوامل موثر در جایگاه اقتصادی ساتراپ‌نشین‌های غربی با استفاده از روش تحقیقات تاریخی پرداخته شود.

### دو دیدگاه متفاوت در مورد ساختار اقتصادی شاهنشاهی هخامنشی

در اواسط سده ششم پیش از میلاد، کوروش دوم (بزرگ) قلمرو پادشاهی ماد، لودییه، بابل و غرب فلات ایران تا کرانه‌های دریای مدیترانه و هم‌چنین سرزمین‌های شرقی فلات ایران را در کم‌تر از بیست سال (۵۵۰-۵۳۰ پ. م) فتح کرد. کمبوجیه جانشین وی، در سال ۵۲۵ پ. م مصر را به این قلمرو افزود. پس از آن، داریوش در سال ۵۱۸ پیش از میلاد هندوستان را تا کرانه رودخانه سند تصرف کرد و در سال ۵۱۳ پ. م علیه سکاها لشکرکشی کرده و اژه‌ای‌ها را تحت فرمان خویش درآورد. بدین گونه دوره فتح و گسترش کامل گردید (Imanpour, 2010: 87; Brosius, 2006: 20). از آن پس، گستره شاهنشاهی هخامنشیان از جیحون و سند در شرق تا

هخامنشیان برای حفظ تعادل نظام سیاسی - اجتماعی خویش به فعالیت‌ها و روابط اقتصادی نیازمند بودند. به همین دلیل، بخشی از سیاست‌های اقتصادی شاهنشاهی هخامنشی نیز به ایجاد رفاه اقتصادی، تشویق تولید، فراهم کردن زمینه لازم برای توزیع و مبادله کالا و خدمات اقتصادی، اختصاص داشته است. در این راستا سیاست عمده آنان نیز بر اساس منافع اقتصادی ملل تابعه و آزادی اقتصادی استوار بود که بیشترین سود و منفعت را برای ساتراپ‌نشین‌های غربی شاهنشاهی هخامنشی داشت. زیرا پایه اقتصادی آنان مبتنی بر تجارت و کشاورزی بود. حال سوال اصلی این است که ساتراپ‌نشین‌های غربی ایران در ساختار اقتصادی شاهنشاهی هخامنشی از چه جایگاهی برخوردار بودند و چه نقشی در امور اقتصادی هخامنشیان ایفا می‌کردند؟ به طور کلی می‌توان گفت که ساتراپ‌نشین‌های غربی هخامنشی در عهد کوروش بزرگ و سپس در زمان جانشینانش، همیشه جزء کانون‌های خبرساز و تحول‌آفرین در شاهنشاهی هخامنشیان به شمار می‌آمدند. این مساله ناشی از موقعیت برتر اقتصادی و دیرینگی تمدن و فرهنگ آنان بود. جایگاهشان نیز در تعاملات اقتصادی و سیاسی شاهنشاهی هخامنشی حائز اهمیت بود. به همین علت، ساتراپ‌نشین‌های غربی مانند: ایونیه، لودییه، کاپادوکیه، ارمنستان، بابل، آشور، عربستان و مصر در چهار فهرست ساتراپی‌های اوایل عصر هخامنشی پس از پارس، ماد و عیلام از موقعیت ممتازی در کتیبه‌ها برخوردار بودند (نگاه کنید به تصویرهای ۱ و ۲). در مورد مسائل اقتصادی شاهنشاهی هخامنشی بحث‌های فراوانی شده است. برای نمونه در آثار داندمایف «تاریخ سیاسی و اقتصادی هخامنشیان» و مقالات او در فرهنگ‌نامه ایرانیکا با عناوین «اقتصاد در دوره

گزنفون گوید: «هر انسان خردمندی می‌توانست دریابد که اگرچه قدرت پادشاه در پهناوری کشور و شمار رعایایش بود اما اگر جنگی ناگهانی و سریع پیش می‌آمد، دوری مسافت‌ها و پراکندگی نیروها خود از عوامل ضعف او بود» (Anabasis, I. 5. 9). بنابراین، این قلمرو گسترده و تنوع قومی، یک فرصت و در عین حال تهدیدی برای دولت هخامنشی به شمار می‌آمد. فرصت آن بود که نیروی کارآمد و متخصص در اختیار پارسیان قرار گیرد تا بتوانند پایه‌های اقتصادی حکومت‌شان را تحکیم بخشند و برای ملت‌های تابعه نیز زمینه مبادلات اقتصادی در ابعادی که تا پیش از آن ناشناخته بود، فراهم سازند. البته تهدیدها و بحران‌های سیاسی مانند شورش بزرگ ساتراپ‌ها و آشوب‌های بابل و مصر در ساتراپی‌های غربی، امور اقتصادی شاهنشاهی هخامنشی را دچار نوسانات و فراز و فرودهای فراوانی کرد (Briant, 2005: 16).

در این میان، نظرات متفاوتی در مورد مسائل اقتصادی ساتراپ‌نشین‌های غربی هخامنشی و این شاهنشاهی جهانی وجود دارد. می‌توان دیدگاه برخی از دانشمندان برجسته حوزه جامعه‌شناسی و اقتصاد، از جمله مارکسیست‌ها و بعضی از اقتصاددانان نئوکلاسیکی که نظریه «دولت استثمارگر یا غارتگر» را پذیرفته‌اند، مطرح کرد. بر طبق این دیدگاه، آنان معتقدند که دولت نماینده یک گروه یا طبقه است که وظیفه‌اش استخراج درآمد از بقیه مردم، به نفع آن گروه یا طبقه است. دولت غارتگر مجموعه حقوق مالکیتی را تعیین می‌کند که درآمد گروه صاحب قدرت را، بدون توجه به پیامدهای آن بر ثروت کل جامعه، به حداکثر می‌رساند (نورث، ۱۳۷۹: ۳۴). در نتیجه، زمانی که آرای مورخینی مانند وبر و یانگ را با این نظریه مقایسه می‌کنیم در می‌یابیم که آرای ایشان کاملاً با این دیدگاه هم خوانی دارد. به نظر می‌رسد، از نگاه اینان، اقتصاد هخامنشی

سواحل شرقی دریای اژه و مدیترانه و رود نیل در غرب و از شمال تا دریای خوارزم (آرال) و از جنوب تا حاشیه‌های جنوبی خلیج فارس امتداد یافت (ایمان‌پور، ۱۳۸۸: ۲۳).

این گستره پهناور شامل واحدهای سیاسی-اقتصادی متنوع و گوناگونی می‌شد. وجود نام‌های ایرانی در اسناد اقتصادی-سیاسی دیگر زبان‌های موجود در قلمرو هخامنشیان از مصر تا بلخ بیانگر این مساله است (Tavernier, Dandamayev, 1998: 101). از فتوحات شاهان هخامنشی می‌توان استنتاج کرد که یکی از اهداف عمده آنان، به تعبیر امروزی جهانی‌سازی بود. هخامنشیان گونه‌ای اقدام ارادی و هدفمند در جهت تغییر در مناسبات بین‌المللی انجام دادند. پروژه آنان، گامی در جهت از بین بردن موانع اقتصادی و ورود به بازارهای آزاد با از بین بردن مرزهای پادشاهی، بود. البته پیامدهای سیاست جهانی‌سازی آنان، متنوع و گسترده بود. به نظر می‌رسد در آن عصر، اقتصاد جهان در واقع جهانی نبود؛ بلکه در میان چند امپراتوری و دولت از جمله: هخامنشیان، ایونیان، لودیان، مصریان، بابلیان و فنیقی‌ها گرد آمده بود که بیشتر در آسیای غربی و در کرانه‌های دریاهای اژه، سیاه و مدیترانه متمرکز بودند. استراتژی سیاسی و اقتصادی هخامنشیان؛ یعنی حضور در دریاهای آزاد و سلطه بر راه‌های تجاری غرب، خواه ناخواه آنان را با قطب‌های اقتصادی آن عصر مانند: لودی‌ها، بابلی‌ها، ایونی‌ها، مصری‌ها و دیگر سواحل‌نشینان، درگیر می‌کرد. با وجود اقتداری که پارسیان در آسیای غربی و شمال آفریقا داشتند، این درگیری‌ها تا پایان دولت هخامنشی ادامه داشت و سرانجام از همین ناحیه ضربه کاری بر پیکره دولت هخامنشیان وارد آمد. البته هخامنشیان از چالش‌ها و فرصت‌های مربوط به گستردگی قلمرو خویش اطلاع داشتند؛ چنان که

غربی فراهم کردند. در این نگاه، اکثر نهادهای اقتصادی، تجار و بازرگانان پشتیبان دولت هخامنشی بودند و به همین علت فتح سرزمین‌های غربی آسیا و آفریقا به سرعت صورت گرفت. البته پیشرفت‌های اقتصادی ناشی از نقش اقدامات دولت هخامنشی بود که یا به صورت مستقیم برای پیشرفت اقتصاد صورت گرفته یا به طور غیرمستقیم به تدابیر سیاسی و اداری هخامنشیان مربوط می‌شد (نورث، ۱۳۷۹: ۳۵؛ احتشام، ۱۳۵۵: ۱۱۸؛ خلیل، ۱۳۷۶: ۱۳).

### حوزه‌های اقتصادی در شاهنشاهی هخامنشی

در مورد ساختار اقتصادی شاهنشاهی هخامنشی می‌توان گفت که احتمالاً همانند ساختار سیاسی از تنوع برخوردار بوده است. شاید ترکیبی بود از اقتصادهای گوناگون و در عین حال، یک واحد اقتصادی سازمان‌یافته در دستان شاهان هخامنشی که هرگز آنان از وظیفه متحدسازی این واحد سیاسی-اقتصادی خویش غافل نمی‌شدند. در شاهنشاهی هخامنشی، حوزه‌های مختلف اقتصادی در کنار یکدیگر موجودیت داشتند. در رساله *اویکونومیکا* / *Oikonomika* (تدبیر منزل) که در گذشته به خطا به ارسطو نسبت داده می‌شد، به برخی از این حوزه‌های اقتصادی اشاره شده است. در این متن آمده است: «چهار گونه اصلی دستگاه اداری یافته می‌شود (بقیه را می‌توان مانند زیرگونه‌های این چهار گونه اصلی آورد): شاهی، ساتراپی، مدنی و شخصی. بزرگ‌ترین و در عین حال ساده‌ترین آن‌ها دستگاه اداری شاهی است. دستگاه اداری ساتراپی هم درازدامن و هم پیچیده است. دستگاه اداری مدنی نیز پیچیده، اما اداره کردن آن آسان است. دستگاه اداری شخصی از همه کوچک‌تر و هم چنین بی‌اندازه پیچیده است. دستگاه اداری شاهی اگرچه بالقوه بسیار قدرتمند است، در واقع به چهار

سلطه‌مآبانه است و استبداد شرقی و نظام برده‌داری هخامنشیان باعث انحطاط و رکود اقتصادی در میان ساتراپ‌نشین‌های غربی شده است. آنان دلیل اساسی این انحطاط را فقدان محرکه لازم برای توسعه سیاسی و اوضاع نا به سامان سیاسی در قلمرو غربی هخامنشیان و دلایل دیگر آن را نیز، عوامل غیرمستقیم چون: دخالت نابخردانه حکومت در اقتصاد، وضع مالیات‌های سنگین، نظام عوارض‌گیری، و جا به جایی پول زیاد در اقتصاد، می‌دانند (Weber, 1976: 222؛ یانگ، ۱۳۸۹: ۵۱). در این نگرش پیامد سیاست‌های اقتصادی شاهنشاهی هخامنشی را در رکود تورمی، نرخ بهره بالا (به ویژه در ساتراپی بابل نک: Haerinck, 1997: 27-28)، و فشار اقتصادی ناشی از افزایش بار سنگین مالیات‌ها، که هر ساله ساتراپ‌نشین‌های غربی می‌بایست مقادیر هنگفتی از فلزات گرانبهای خویش را به خزانه شاهنشاهی هخامنشی واریز می‌کردند، دید (توین بی، ۱۳۸۸: ۱۲).

اما گروهی دیگر از تحلیل‌گران اقتصادی، بر این باورند که پیشرفت‌های بزرگ اقتصادی در میان ملل تابعه شاهنشاهی هخامنشیان به ویژه در میان ساتراپ‌نشین‌های غربی روی داده است. شاهنشاهی هخامنشی به دلیل ساختار انعطاف‌پذیر اقتصادی، باعث تسریع رشد اقتصادی پایا (بدان معنی که تولید، سریع‌تر از جمعیت رشد کند). در میان سرزمین‌های آسیای کوچک، بابل، فنیقیه، ایونیه و مصر گردید. صنعت و کشاورزی در میان این ساتراپی‌ها ترقی کرد. زمینه مبادلات بین‌المللی و توسعه اقتصادی برای آنان فراهم گردید؛ رشد تولید منجر به کاهش بیکاری، نابرابری و تورم شد و موجب افزایش ثروت عمومی، بالا رفتن سطح درآمد و رفاه ساتراپی‌های غربی گردید. اینان می‌پندارند هخامنشیان فعالیت‌های اقتصادی را بر بستر رقابت و آزادی عمل در میان ساتراپ‌نشین‌های

حوزه تقسیم می‌شود: ضوابط و مقررات، واردات، صادرات و هزینه‌ها. مراد من از ضوابط و مقررات، کاری مانند اصلاح فصلی قیمت‌هاست. واردات و صادرات توزیع سودآور درآمدهایی است که ساتراپی می‌فرستاد. هزینه نیازمند این بود که تصمیم گرفته شود کدام هزینه باید قطع شود و چه هنگام پرداختی باید نقدی یا جنسی باشد. دستگاه اداری ساتراپی با شش گونه از درآمدهایی که از این حوزه‌ها گرفته می‌شود، سروکار دارد: کشاورزی عمومی، تولید محلی ویژه، بازارها، مالیات‌ها، دام و چیزهای گوناگون دیگر. نخستین و مهم‌ترین این‌ها، درآمدی است که از کشاورزی عمومی به دست می‌آید (به نام‌های گوناگون، مانند مالیات تولید و عشر شناخته شده است). دوم درآمدی است که از تولید محلی ویژه همان محل (مثلاً زر، سیم و مسی که از معادن بیرون می‌آورند) می‌گیرند. سوم درآمدی است که از بازارها به دست می‌آید و چهارم درآمد حاصل از مالیات زمین و فروش است. پنجم درآمدی است که از وام به دست می‌آید (معروف به نوبرانه یا عشر). ششم مقوله‌ای که درآمدهایی چون مالیات سرانه و مالیات کالاهای دست‌ورزی را در بر می‌گیرد. مهم‌ترین درآمد، سومین گونه دستگاه اداری، یعنی دستگاه اداری شهری، از تولیدات محلی به دست می‌آید. پس از آن درآمدهایی است که از بازرگانی و عوارض حاصل می‌شود و سرانجام درآمدهایی است که از واگذاری زمین به دست می‌آید. چهارمین و آخرین دستگاه‌های اداری، حوزه شخصی است. چون این دستگاه باید چندین منظور را برآورد، شناساندن آن بسیار دشوار است، اما از آن جا که درآمدها و هزینه‌های آن بسیار اندک است کم اهمیت‌ترین دستگاه است. مهم‌ترین این‌ها درآمدی است که از کشاورزی و پس از گردآوری مالیات و سرانجام از سود رباخواری به دست می‌آید» (Ps. Aristotle, Oikonomika).

می‌توان ستون فقرات دستگاه اقتصادی هخامنشیان را نشان داد. در متن یاد شده، پادشاه در مرکز این دستگاه بر شبکه‌ای از حکمرانان یا ساتراپ‌ها، که متعهد بودند تا ثروت را از مردم قلمرو شاهنشاهی گرد آورند و آن را به شاهنشاه انتقال دهند، نظارت می‌کرد. در پایین‌ترین مراتب آن نیز افراد آزاد یا کسبه قرار داشتند. دستگاه اداری ساتراپی به گردآوری درآمدها و انتقال آن‌ها به پادشاه می‌پرداخت. پادشاه و دربار، یعنی هسته نظام اقتصادی شاهنشاهی، بهره‌وران ثروتی بودند که شاهنشاهی آن‌ها را گرد می‌آورد اما پذیرفته شده بود که در این میان تعهد دوسویه‌ای نیز قرار داشته باشد. البته در اویکونومیکا، به حوزه اقتصادی متعلق به معابد دینی اشاره نمی‌شود. شواهد مکتوب مربوط به حوزه اقتصادی‌ای که به معابد تعلق داشت، بیشتر در بابل و تا حدودی در مصر به دست آمده است. در بابل، هم املاک وسیع و هم مراکز اقتصادی و صنایع دستی، در اختیار معابد قرار داشت. زمین‌های معابد به اجاره داده می‌شد و کارگران در این زمین‌ها هم برای اجاره‌داران و هم برای معابد کار می‌کردند (Dandamayev, 1998: 103).

### علل کارآمدی اقتصاد شاهنشاهی هخامنشی

راز موفقیت‌های اقتصادی شاهنشاهی هخامنشی، بیشتر از سیاست رواداری، انعطاف‌پذیری و تمرکززدایی ناشی می‌شد؛ آنان به ندرت در زندگی اقتصادی و اجتماعی ساتراپ‌نشن‌های خود دخالت می‌کردند. در عین حال، حمایت نظامی مورد نیازشان را تأمین و فرصت‌های مطلوب و جدید، برای توسعه روابط اقتصادی و مبادله کالاهایشان فراهم می‌کردند (Rostovtzeff, 1941: 77). بنابراین، اگر از پایین به ساختار اقتصادی شاهنشاهی هخامنشیان بنگریم، این

شاهی هم وجود داشت و هر سال بر میزان آن افزوده می‌شد. در حقیقت دارایی موروثی به شمار می‌آمد. زمین‌داران به وسیله مباشران خود آن زمین‌ها را اداره می‌کردند (Wiesehöfer, 2009: 79). هخامنشیان، با توجه به این که در برخی از ساتراپ‌نشین‌ها، مانند میان‌رودان به شبکه آبیاری منظمی نیاز داشتند، در نتیجه با سرمایه‌گذاری وجوه دولتی در امر کشاورزی و تلاش در آبرسانی و بهبود باغداری در آناتولی، گامی مثبت در تشویق امر کشاورزی و توسعه آن در مملکت بر می‌داشتند (یانگ، ۱۳۸۹: ۵۰). اگرچه داریوش اول، سکه‌های دریک زرین را به وزن ۸/۴۲ گرم، که بنیان نظام پولی هخامنشی را تشکیل می‌داد، و نیز سکه‌های شیکل نقره با وزن ۵/۶ گرم را مرسوم نمود، اما این سکه‌ها در بیرون از حوزه ساتراپ‌نشین‌های غربی کاربرد اندکی داشتند (شهبازی، ۱۳۸۹: ۱۰۵؛ Album, 1993: 14). در پارس نیز، داد و ستد و پول رواج اندکی داشت. کارگران شاغل در حوزه سلطنتی و حتی بلندپایه‌ترین کارکنان دولت، حقوق خود را به صورت نقره نامسکوک و فرآورده‌های غیر نقدی (کشاورزی-دامی) دریافت می‌کردند. نظام پرداخت، به طور پولی و کالایی در کنار هم و در رقابت با هم در این زمان به کار می‌رفت (آلت‌هایم، ۱۳۸۲: ۶؛ Dandamayev, 1998: 101; Dandamayev, 1993: 60). همچنین نقره، پایه اقتصاد پولی هخامنشیان در داد و ستد بود که بیشتر مبادلات بر اساس آن ارزش‌گذاری می‌شد. فلز را بر مبنای پول نقره (شیکل) سنجیده، و جا به جا می‌کردند اما در عین حال، از برخی فلزات خام و تغییر یافته دیگر مانند جواهرات و یا ظروف استفاده می‌کردند. با این حال، هر چند ارزش هر چیز به نقره سنجیده می‌شد، ولی این گونه نبود که همواره در همه مراحل مبادلات، از ارزش نقره استفاده نمایند (Allen, 2005: 121). الواح باروی تخت جمشید نشان

شاهنشاهی، بر خلاف امپراتوری‌های پیشین، متجاوز و زورگو نبود و از همان ساختار اقتصادی پیروی می‌کردند که پیش‌تر در میان آن دولت‌ها رواج داشت. پیوستن آنان به شاهنشاهی هخامنشی، سبب می‌شد که برای آنان ضمانت امنیت در پی بی‌آورد و این صلح و آرامش موجب افزایش فرآورده‌های تولیدی می‌شد (Meadows, 2005: 185). به عبارت دیگر، ناهمگونی شاهنشاهی هخامنشی، با سازمان‌های مذهبی و اقتصادی بسیار متفاوت و متنوع همراه شد. موفقیت و یا زوال داخلی شاهنشاهی، به عملکرد ساختار غیر متمرکز آن بستگی داشت و به این دلیل، هرگونه تلاش برای تحمیل یک ساختار متمرکز متحدالشکل در واحدهای گوناگون فوق به شدت و در واقع به نحو بازدارنده‌ای پرهزینه بود. تساهل دینی و انطباق فعالانه مذاهب محلی، عامل تثبیت‌کننده اساسی بوده است (نورث، ۱۳۷۹: ۱۲۱). برای مثال، کوروش، برای آن که در استیلای پارسیان بر بابل، از عنصر مشروعیت استفاده کند و بدین ترتیب، هزینه‌های اجرایی را کاهش دهد، خود را برگزیده خدای مردوک و احیاکننده آیین‌های فرو گذاشته شده دوران نبوت‌مندی معرفی می‌کند (Kuhrt, 1983: 89; Brosius, 2000: 12). رزمجو، ۱۳۸۹: ۵۸).

از طرف دیگر، اقتصاد شاهنشاهی هخامنشی بر پایه صلح شاهانه بر پا شده بود؛ هنگامی که در سده پسین هخامنشی صلح و آرامش از میان برخاست، اقتصاد شاهنشاهی رو به تباهی رفت و اسباب انحطاط سیاسی و نظامی را فراهم ساخت. شالوده ثروت در شاهنشاهی هخامنشی و به ویژه در میان ساتراپ‌نشین‌های غربی، زمین و کشاورزی بود. زمین مهم‌ترین هدیه‌ای بود که از طرف شاه هخامنشی به کسانی که به او خدمت می‌کردند، اعطا می‌شد و در اصطلاح هترو/Hatru نامیده می‌شد. از طرف دیگر زمین‌های اعضای خاندان

لودی‌ها، فنیقی‌ها، ایونیه‌ای‌ها، مصری‌ها و بابلی‌ها) و داشتن مازاد تولید، خصوصاً در سال‌های خوب به لحاظ آب و هوایی، موجب توجه هخامنشیان به این قسمت از قلمروشان گردید (بختورتاش، ۱۳۵۰: ۱۳۴). آنان به منظور کاهش هزینه‌های معاملاتی و در جهت رونق اقتصاد تجاری و کشاورزی این مناطق چند اقدام موثر انجام دادند. مانند توسعه راه‌های ارتباطی و حمل و نقل را که در برنامه‌های خویش گنجانده‌اند. آن‌ها با ایجاد کانال، چاپارخانه‌ها، کاروان‌سراها، آب‌انبارها و نظام راهداری مناسب و گسترش راه‌های خشکی (جاده شاهی) و دریایی در میان ساتراپ‌نشین‌های غربی زمینه فعالیت‌های اقتصادی پایا را گسترش دادند. هخامنشیان، سازمان مناسب اداری در میان ساتراپ‌نشین‌های غربی ایجاد کردند، در صورتی که در میان ساتراپ‌نشین‌های شرقی، به علت ساختار کوچ‌رویی و دامداری، کمتر می‌شد نظم سازمانی و اداری را که مسأله‌ای مهم در امور اقتصادی است، فراهم کرد. علاوه بر حمایت بازرگانی و اقتصادی گسترده‌ای که از ساتراپ‌نشین‌های غربی به عمل آوردند، زمینه تسهیل فعالیت‌های بانکی (بانک‌های آگیبی و مورشو) به ویژه در میان بابلی‌ها را فراهم نمودند (Dandamayev, 1998: 103). هخامنشیان، نظام پولی و ارزی را با ضرب سکه‌هایی با عیار مورد پذیرش در بازار جهانی، سازماندهی کردند. این اقدام نقش مهمی در داد و ستدهای بین‌المللی ایفا کرد (Album, 1993: 14). حفظ حقوق مالکیت افراد برای تشویق تولید و تجارت، اقدام دیگر هخامنشیان بود (نورث، ۱۳۷۹: ۵۸). آنان در جهت تعدیل عوارض گمرکی تلاش کردند، سیستم مالی را با قاعده‌مندسازی اوزان و مقادیر یکسان، توسعه دهند. این اقدام به لحاظ اقتصادی، هزینه‌های معاملاتی را کاهش و به فرمانروا امکان می‌داد تا رانت بیشتری دریافت کند (نورث، ۱۳۷۹: ۳۹). هخامنشیان با سرمایه‌گذاری وجوه دولتی

می‌دهد که چگونه تعدادی از کالاها را نسبت به هم ارزش‌گذاری می‌کردند (Hallock, 1969: 17). ساختار و ماهیت کلی اقتصاد هخامنشی، بر اساس شیوه جمع‌آوری منابع مالی تعیین می‌شد. در اقتصاد شاهنشاهی، شبکه جاده‌ها و حمل و نقل زمینی و دریایی از اهمیت به‌سزایی برخوردار بود. این شبکه به قدرت عضلانی انسان و حیوان و وسایل حمل و نقل وابسته بود. حمل و نقل کالاها در فاصله‌های طولانی دشوار و پرهزینه بود، اما حمل و نقل آبی به بهبود این وضعیت کمک می‌کرد. به علت برخورداری ساتراپ‌نشین‌های غربی از رودخانه‌های دائمی مانند: فرات، دجله، هالیس و نیل، هزینه‌های تولید، توزیع و خدمات کاهش پیدا می‌کرد و رونق اقتصادی را در پی داشت؛ در صورتی که در ساتراپ‌نشین‌های شرقی به سبب کم‌آبی و رودخانه‌های فصلی، بیشتر از نیروی عضلانی انسان و حیوان در حمل و نقل استفاده می‌شد. همین مسأله استفاده از اسب و شتر در حمل و نقل زمینی را پررنگ‌تر می‌کرد و هیچ چیز عاقلانه‌تر از توسعه اسب‌پروری و شترداری به منظور توسعه اقتصادی و حمل و نقل در این مناطق نبود (Tallis, 2005: 210؛ مستوفی، ۱۳۹۲: ۲۶۵).

## نقش هخامنشیان در توسعه اقتصادی

### ساتراپ‌نشین‌های غربی

مرکز ثقل اقتصادی هخامنشیان را ساتراپ‌نشین‌های غربی با تمدن‌های بسیار قدیمی شهری با لایه‌بندی اجتماعی گوناگون تشکیل می‌دادند. این ساتراپی‌ها از امپراتوری‌های پیشین یعنی لودی، بابل، آشور و مصر شکل گرفته بودند و هر کدام یک واحد سیاسی-اقتصادی خاصی را شکل می‌دادند (دیاکونف، ۱۳۸۷: ۲۳۴). موقعیت خاص جغرافیایی و اقتصادی ساتراپ‌نشین‌های غربی، وجود ملل بازرگان (مانند

Dandamayev & Lukonin, 1989: 95-96; Vogelsang, 1992: 99). از این رو، مشخصه اصلی نظام‌های اجتماعی و اقتصادی قلمرو دولت هخامنشی، پیچیدگی، تنوع و گوناگونی ساختار بود (داندامایف، ۱۳۸۶: ۸۲). در این میان، نقش و جایگاه اقتصادی ساتراپ‌نشین‌های غربی هخامنشی که از نظر پیشینه و اقتصاد از پارسیان پیشرفته‌تر بود، به چشم می‌آمد. سیستم پولی و اقتصاد برتر این ساتراپی‌ها، ثروت کلانی را به خزانه شاهنشاهی هخامنشیان سرازیر می‌کرد. به عنوان نمونه بابل و آشور ۱۰۰۰ تالان، مصر و لیبی ۷۰۰ تالان، لودی و کلیکیه هر کدام ۵۰۰ تالان، ایونیه و کاریه ۴۰۰ تالان، فنیقیه و قبرس ۳۵۰ تالان می‌پرداختند. (هرودوت، III، بندهای ۹۴-۸۹) (نگاه کنید به جدول ۱). هخامنشیان با چیرگی بر ساتراپ‌نشین‌های غربی، نقش به‌سزایی در مناسبات و مبادلات اقتصادی جهان ایفا می‌کردند. پیداست، زمین‌های حاصل‌خیز، صنایع پیشرفته و ثروت این ساتراپ‌نشن‌ها برای شاهنشاهی پارسیان، از اهمیت فراوانی برخوردار بود. هخامنشیان به وسیله این کشورها با اروپا و آفریقا ارتباط پیدا می‌کردند. به نظر می‌رسد این ساتراپی‌ها بازار داد و ستد مناسبی برای بازرگانان شاهنشاهی هخامنشی فراهم می‌کردند. از طریق این ساتراپ‌نشن‌ها، تجار با غرب به تجارت مشغول می‌شدند. مطالعات سکه‌شناختی بیانگر رفاه اقتصادی در ساتراپ‌نشین‌های غربی است. در واقع، رونق اقتصادی بسیاری از شهرهای ایونیه، به هخامنشیان وابسته بود. آنان در ایونیه این امکان را فراهم ساختند که تا نظام‌های پولی توسعه و بازرگانی رونق یابد (داندامایف، ۱۳۸۱: ۲۰۰؛ وردنبورخ، ۱۳۸۸: ۱۱۰/۶). در این میان، تجار یونانی که ساکن کناره‌های ایونیه در آسیای کوچک بودند، نقش بسزایی در پیشرفت روابط اقتصادی، ایفا می‌کردند. تصرف ساتراپ‌نشین‌های آسیای کوچک

در امر کشاورزی و سدسازی و تلاش برای آبرسانی به کشتزارها، بستر بهبود باغداری (مکان محصور/ pairi\* daeza- فارسی باستان) و کشت انواع فرآورده‌های کشاورزی را فراهم نمودند (DMM نامۀ داریوش به گاداتاس به نقل از: لوکوک، ۱۳۸۶: ۳۳۱). این اقدامات سبب می‌شد تا هخامنشیان ذخیره‌سازی میوه‌ها، که از ارزش غذایی بالایی برخوردار بود، و محصولات استراتژیک مانند جو و گندم را به مرز خودکفایی برسانند (هینتس، ۱۳۸۷: ۳۳۹؛ کخ، ۱۳۸۶: ۳۲۱). با توجه به این که سیاست هخامنشیان در مورد سرزمین‌های گشوده شده، سیاست ضد تولیدی نبود؛ بنابراین نظام مالیاتی توسط داریوش ساماندهی شد. سیاست‌های مالیاتی‌ای که در گذشته به ثبات اقتصادی و رونق تولید آسیب می‌رساند، اصلاح شدند (وردنبورخ، ۱۳۸۸ الف: ۱۱۰/۶).

شاهان هخامنشی با ایجاد وحدت سیاسی و ترویج صلح و نظم شاهانه در زمان بحران‌های سیاسی، امنیتی را که شایسته و بایسته رونق اقتصادی بود، فراهم نمودند. آنان با طراحی رویه‌های نظارتی و تاسیس نهادهای امنیتی و قضایی در جهت ایجاد نظم نوین و وضع قوانین نافذ تلاش نمودند. بنابراین روابط و مناسبات اقوام تابعه با یکدیگر و با دولت مرکزی، قاعده‌مند گردید (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۵).

## نقش و جایگاه اقتصادی ساتراپ‌نشین‌های غربی

### ایران در شاهنشاهی هخامنشی

ساتراپ‌نشین‌های غربی ایران، سال‌ها پیش از پیدایش شاهنشاهی هخامنشی دارای پیشینه تاریخی، سوابق فرهنگی و سازمان حکومتی و اقتصادی پیشرفته‌ای بودند. در مقابل، ساتراپ‌نشین‌های شرقی به لحاظ اقتصادی، ضعیف و دارای نظام‌های کوچ‌رویی بودند (محمودآبادی، ۱۳۸۸: ۴۱؛ داندامایف، ۱۳۵۸: ۵۰؛



به سزایی داشت. وجود رمه‌های فراوان و دفینه‌های سکه قرن ۴ پ. م، طلای رودخانه پاکتولوس و مژه‌های فراوان یافته شده در غرب آناتولی، بیانگر این موضوع است. داریوش نیز به دلیل همین اهمیت، مدت طولانی در آن جا اقامت کرد و بی‌جهت نبود که یونانیان به او لقب کاپه‌لوس/kapelos (سود برنده از مبادلات پولی) دادند (وردنبوخ، ۱۳۸۸: ۲۴۹/۸؛ Cook, 1983: 200; Dusinberre, 2010: 324).

اهمیت ساتراپی فنیقیه برای شاهنشاهی هخامنشی کمتر از لودییه نبود. فنیقی‌ها و یونانی‌ها از قرن ۸ پ. م. در دریای مدیترانه در زمینه تجاری و اقتصادی سردمدار بودند (Morley, 2007: 24). کشتی‌های فنیقیه دائماً در دریا همراه با دریانوردان و ملوانان فنیقی همه نوع کالای اقتصادی را از نقطه‌ای به نقطه دیگر حمل می‌کردند؛ نقره و آبنوس را از مصر و عاج را از حبشه (DSf, 11) به سواحل خلیج پارس می‌آوردند. علاوه بر این، کشتی‌های فنیقی در هنگام جنگ، سربازان دولت هخامنشی را از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌بردند. وجود این نیروی حمل و نقل آبی، برای دولت هخامنشی بسیار حائز اهمیت بود. اگر به جریان لشکرکشی کمبوجیه به آفریقا توجه کنیم، اهمیت نیروی حمل و نقل دریایی فنیقی‌ها برای ما روشن‌تر می‌شود. در نتیجه عدم همکاری فنیقی‌ها با کمبوجیه، او نتوانست بر کارتاژ تسلط قطعی پیدا کند. بنابراین، نیروی دریایی توانمند و اقتصاد دریایی فنیقیه، پشتوانه محکمی برای بنیان‌های اقتصادی هخامنشیان بود (Elayi, 1980: 24؛ شایان، ۱۳۵۱: ۹۰). به نظر می‌رسد سوریه و بابل در مرکز ثقل مبادلات بین‌المللی مالی و اقتصادی شاهنشاهی هخامنشیان قرار داشت. حیات اقتصادی آنان بر پایه بازرگانی، بانکداری و مالکیت خصوصی اراضی بود که در اختیار بخش خصوصی و معابد قرار داشت. تجارت

(مانند لودییه، کاپادوکیه، کاریه، کلیکیه، لوکیه، فروگیه، پافلاگونی، پامفولییه و داسکلیم) از همه نظر برای پارسیان سودمند بود، زیرا آن‌ها از راه آسیای کوچک با دولت شهرهای آسیایی و اروپایی یونان، مبادلات اقتصادی خویش را انجام می‌دادند. این ارتباطات هم در زمان صلح و هم در هنگام جنگ برای پارسیان حیاتی بود. این تماس‌ها و ارتباطات گاهی جنبه سیاسی پیدا می‌کرد. شاهان پس از خشیارشا، با استفاده از سیاست «نفوذ نامرئی»، به تحریک و تبلیغ در ایونیه می‌پرداختند و شهرها را علیه یکدیگر بر می‌انگیختند. هخامنشیان پس از قیام ایونی‌ها، گذرگاه‌های دریایی را به روی آنان بستند. یا در ۴۶۰ پیش از میلاد در هنگام شورش مصریان به رهبری ایناروس، آتنی‌ها که در پایان قرن ۶ پیش از میلاد بازارهای کناره‌های شمالی دریای سیاه را از دست داده بودند، ناوهای خود را به کمک قیام‌کنندگان مصری فرستادند. این‌ها امیدوار بودند که به عوض بازارهای نام‌برده، از مصر غله و گندم به دست خواهند آورد (داندامایف، ۱۳۸۶: ۱۱۰ و ۹۶؛ شایان، ۱۳۵۱: ۸۹). بسته شدن گذرگاه‌ها ضربه بزرگی بر صادرات فرآورده‌های تولیدی و واردات چوب و غله یونانیان بود و ادامه این سیاست بحران اقتصادی عمده‌ای را برای یونانیان در پی داشت (داندامایف، ۱۳۸۱: ۲۸۱). بقای یونان به جریان بی‌وقفه واردات غلات بستگی داشت، که از سکائیه و مصر تامین می‌شد. آنان در صورت بحران‌های سیاسی - نظامی نمی‌توانستند بازار بین‌المللی آزاد غلات را ایجاد کنند. اهمیت استراتژیکی واردات غلات برای یونانیان مشابه اهمیت سوق الجیشی نفت در اواخر قرن ۲۰ م برای کشورهای واردکننده نفت بود (وردنبوخ، ۱۳۸۸: ۳۱۸/۶؛ رایس، ۱۳۸۸: ۴۹؛ نورث، ۱۳۷۹: ۱۲۸). از آن جا که ساتراپی لودییه با یونان تماس زیادی داشت، به عنوان مرکز اقتصاد پولی و بازرگانی پیشرفته اهمیت

از او مطالبه خراج شده بود. وی ثروتمندترین مردان سرزمینی را که بر آن فرمان می‌راند فراخواند و به آنها گفت که شاهنشاه مطالبه خراج کرده است. اما از عهده پرداخت آن بر نمی‌آید. او پیشاپیش، چند تنی را آماده کرده بود که همین که سخن او به پایان رسید گامی پیش گذارند و بگویند چندان که بتوانند او را در این کار یاری می‌دهند. مردان توانگرتری که در آن انجمن گرد آمده بودند هنگامی که با پیشنهاد آنها رو به رو شدند با آمیزه‌های از شرم و ترس قول دادند که مبالغ بسیار بیشتری بپردازند و چنین کردند. مائوسولوس هنگامی که بار دیگر گرفتار فقر مالی شد، مردم شهر مولا سا را گرد آورد و به آنها یادآور شد که بر گرد شهرشان دیواری نیست و گفت شاهنشاه با سپاهی به شهر آنها می‌آید. از این رو، دستور داد تا مردم مولا سا چندان که بتوانند برای او پول بیاورند و به آنها گفت آن چه امروز هزینه می‌کنند موجب امنیت بقیه دارایی‌های آنها خواهد شد. هنگامی که مردم در ساختن دیوار مشارکت کردند، او پول‌ها را گرفت، اما پس از گرفتن پول، به آنها گفت که خداوند فعلاً او را از ساختن دیوار شهر منع کرده است» (Oikonomika II. 2. 13; Meadows, 2005: 184). این گزارش روشن می‌کند که رابطه شاه و رعایایش مالی بود و حاکمی بی اخلاق چندان آزادی عمل داشت که مالی را که برای پرداخت خراج شاهنشاهی بود می‌توانست با فریب و اغوای مردم به سود خود بردارد.

#### نتیجه

با استنتاج از بحث و بررسی‌های بالا، به صراحت نمی‌توان مشخص کرد که شاهنشاهی هخامنشی موجب تسریع رشد اقتصادی یا مانع رشد اقتصادهای مترقی در میان ساتراپ‌نشین‌های غربی ایران گردید؛ زیرا برتری

گسترده با نقاط دور دست شاهنشاهی ادامه داشت و سنت‌های اداری میراث حمورابی را اجرا می‌کردند. بر خلاف نظر پژوهش‌گران پیشین که معتقدند پس از اصلاحات مالی داریوش، وجوه واریز نقدی مالیات به خزانه، باعث می‌شد نقره کافی برای تجارت در بابل وجود نداشته باشد و روند تجارت نقدی به تأخیر افتد، اکنون مورخینی مانند استولپر بر این باورند که اسناد بابلی، جریان وجوه نقدی را در مبادلات اقتصادی ساتراپی بابل نشان می‌دهد (داندامایف، ۱۳۹۱: ۲۴؛ وردنبورخ، ۱۳۸۸ب: ۳۴۴/۸). در عهد خشیارشا، اغتشاشات بلشیمانی و شمش - عربیه در بابل، موجب از رونق افتادن اقتصادی بابل شد. این مساله را از کاهش ناگهانی متون اقتصادی و تجاری در می‌یابیم. البته به علت موقعیت خاص میان‌رودان، با این که اقتصاد بابل از رونق افتاد، نیبور به مهم‌ترین شهر اقتصادی میان‌رودان تبدیل شد (داندامایف، ۱۳۸۱: ۲۳۴). مدارک باستان - شناختی حاکی از آنند که هخامنشیان با اشغال مصر، هیچ تغییر مهمی در ساختار اقتصادی آن کشور ایجاد نکردند. البته، آنان بساط فعالیت‌های اقتصادی یونانیان را برچیدند و شبکه‌ای اقتصادی به ابتکار خویش جایگزین کردند (وردنبوخ، ۱۳۸۸ب: ۲۲۷/۸). هخامنشیان جریان تولیدات مصری را با حفر کانال سوئز در مسیر دریایی که به پارس می‌رود، تسهیل کردند (DZC, §3). البته شاهان هخامنشی به دلیل دوری مسافت‌ها و گستردگی قلمروشان ناگزیر بودند که بخش زیادی از قدرت خود را به ساتراپ‌ها تفویض کنند. این قدرت فراوان غالباً ساتراپ‌ها را به فساد می‌کشاند (Meadows, 2005: 185). بنابراین، در برخی از مواقع، دولت هخامنشی دچار مفاسد اقتصادی در قلمرو غربی خویش می‌گردید؛ از جمله مواردی که در گزارش پژوهندگان باستانی به آن اشاره شده، مورد مائوسولوس است؛ «مائوسولوس، فرمانروای کاریا، فرمانی از شاهنشاه دریافت کرده بود که

جنگ‌های ایران و یونان) در ساتراپ‌نشین‌های غربی فراهم گردید. همین مسائل موجب بی‌ثباتی ساختار واحدهای اقتصادی-سیاسی و از هم گسیختن شاهنشاهی از سوی این ساتراپ‌نشین‌ها شد.

#### منابع

##### الف) کتاب‌ها

- آلتهايم، فرانتس. (۱۳۸۲). **تاریخ اقتصادی دولت ساسانی**، ترجمه هوشنگ صادقی، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- احتشام، مرتضی. (۱۳۵۵). **ایران در زمان هخامنشیان**، چاپ اول، تهران: چاپخانه زر.
- بختورتاش، نصرالله. (۱۳۵۰). **دیپلماسی دولت هخامنشی**، چاپ اول، تهران: ستاد بزرگ ارتشتاران.
- توبین بی، آرنولد. (۱۳۸۸). «**جغرافیای اداری شاهنشاهی هخامنشیان**»، جغرافیای اداری ایران باستان، ترجمه همایون صنعتی زاده، چاپ دوم، تهران: انتشارات ثریا.
- رایس، تامارا تالبوت. (۱۳۸۸). **سکاها**، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: انتشارات طهوری، چاپ دوم.
- رزمجو، شاهرخ. (۱۳۸۹). **استوانه کوروش بزرگ تاریخچه و ترجمه کامل متن**، چاپ اول، تهران: فرزانه روز.
- داندامایف، محمد. آ. (۱۳۸۱). **تاریخ سیاسی هخامنشیان**، ترجمه خشایار بهاری، تهران: نشر کارنگ، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۸). **تاریخ سیاسی و اقتصادی هخامنشیان**، ترجمه میر کمال نبی پور، چاپ اول، تهران: نشر گستره.

سازمان اقتصادی یونانیان منجر به شکست هخامنشیان از آنان و بالاخره تسخیر شاهنشاهی هخامنشی به دست اسکندر گردید. این مسأله، رشته‌های اصلی تحلیل‌های اقتصادی را از هم می‌گسلد. به نظر می‌رسد سازمان اقتصادی هخامنشیان، از همان آغاز پیدایش، دارای رویکردی گسترش‌یابنده و در برخی موارد انحصارگرا بود. آنان برای کاهش هزینه‌های اقتصادی، دست به سیاست رواداری دینی در جهت مشروعیت‌سازی حکومت خویش زدند. این سامانه از راه گشودن بازارهای جهانی و پیشرفت‌های سریع اقتصادی (پیامد این رشد را در ساخت کاخ‌های مجلل در شوش، تخت جمشید، هگمتانه و بابل می‌توان دید) سبب انباشت سرمایه‌های بومی و محلی در مراکز و پایتخت‌های شاهنشاهی هخامنشیان گردید. این سامانه برای رشد و توسعه خود، به نیروی انسانی ماهر، متخصص و ارزان، مواد خام و اولیه‌ی مناسب برای زیرساخت‌های عمرانی نیاز داشت که در ساتراپ‌نشین‌های غربی به وفور به چشم می‌خورد (DSf, §3-5). در راستای رسیدن به این اهداف؛ یعنی دستیابی به سرزمین‌های ساتراپ‌نشین‌های غربی، تسلط بر دریاها و آزاد و سلطه بر راه‌های تجاری غرب در دستور کار هخامنشیان قرار گرفت. با تسلط هخامنشیان بر این ساتراپی‌ها، نظام اقتصادی هخامنشیان وارد مرحله‌ی نوین گردید که شاید بتوان آن را اقتصاد فراملیتی نامید. در اثر چنین دگرگونی‌هایی، مرزهای بومی و محلی گسسته و دروازه‌های ورود و خروج کالاها و خدمات ساتراپ‌نشین‌های غربی به پایتخت‌های شاهنشاهی هخامنشی باز گردید. بدین ترتیب، زمینه برای نابرابری‌های اقتصادی، تورم و بالا رفتن نرخ بهره و بحران‌های سیاسی (از جمله نزاع دولت و ساتراپ‌ها در اواخر قرن ۵ پ. م، شورش ساتراپی بابل و مصر، به دست آوردن استقلال توسط مصر در چند دوره و

- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). **ایرانیان در بابل**  
 هخامنشی، ترجمه محمود جعفری دهقی، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس.
- شایان، فریدون. (۱۳۵۱). **سیری در تاریخ ایران باستان**، چاپ اول، تهران: انتشارات رز.
- شهبازی، علیرضا شاپور. (۱۳۸۹). **جهان‌داری داریوش بزرگ**، چاپ اول، شیراز: کهن پارسه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۷). **شرح مصور نقش رستم فارس**، شماره هشتم، چاپ اول، شیراز: موسسه بنیاد تحقیقات هخامنشی.
- کخ، هاید ماری. (۱۳۸۶). **از زبان داریوش**، ترجمه پرویز رجبی، چاپ دوازدهم، تهران: نشر کارنگ.
- لوکوک، پی یر. (۱۳۸۶). **کتیبه‌های هخامنشی**، ترجمه نازیلا خلخالی، چاپ دوم، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
- محمودآبادی، اصغر. (۱۳۸۸). **فرآیند اقتدار امپراتوری هخامنشی و تحول تاریخ‌نگاری در یونان باستان**، چاپ اول، اصفهان: انتشارات نقش مانا.
- نورث، داگلاس سیسیل. (۱۳۷۹). **ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی**، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- هرودوت. (۱۳۸۹). **تاریخ هرودوت**، ترجمه مرتضی ثاقب فر، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- هیتس، والتر. (۱۳۸۷). **داریوش و ایرانیان تاریخ فرهنگ و تمدن هخامنشیان**، ترجمه پرویز رجبی، چاپ اول، تهران: نشر ماهی.
- تاریخ و اساطیر ایران»، **دنیای ناشناخته هخامنشیان**، تهران: جوانه توس، صص ۲۷ - ۱۱.
- ایمان پور، محمدتقی. (۱۳۸۸). «بررسی جایگاه سیاسی ساتراپ‌های هخامنشی در دوره داریوش بزرگ با تکیه بر کتیبه‌ها»، **نشریه علمی - پژوهشی تاریخ ایران**، ش ۶۱/۵، صص ۲۳ - ۵۴.
- وردنبورخ، هلن سانسیسی و آملی کورت. (۱۳۸۸ الف). **تاریخ هخامنشی: آسیای صغیر و مصر فرهنگ‌های کهن در یک شاهنشاهی نوین**، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: توس، صص ۱۱۰ - ۹۷.
- خلیل، ابراهیم. (۱۳۷۶). «تاریخ اقتصاد ایران از دوره هخامنشی تا عصر حاضر»، **بورس ماهانه**، ش ۳۴، صص ۱۸ - ۱۳.
- وردنبورخ، هلن سانسیسی و آملی کورت. (۱۳۸۸). «تاریخ هخامنشی: تداوم و تغییر»، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: توس، صص ۳۴۸ - ۳۳۹.
- داندامایف، محمد. آ. (۱۳۸۶). «دولت هخامنشی»، **تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز**، ترجمه کیخسرو کشاورز، تهران: مروارید، صص ۱۱۱ - ۷۶.
- دیاکونف، ا. م. (۱۳۸۷). «ماد»، **تاریخ ایران در دوره ماد**، ترجمه بهرام شالگونگی، تهران: جامی، صص ۲۴۱ - ۹۱.
- مستوفی، فرخ. (۱۳۹۲). «جانوران در امپراتوری هخامنشیان»، **ویراستاران جان کرتیس و نایجل تالیس، امپراتوری فراموش شده جهان پارسیان باستان**، تهران: کتاب آمه، صص ۲۶۷ - ۲۶۳.

#### ج) منابع لاتین

-Album, M. L, Botes & w. Floor. (1993).  
 Coins and coinage, in: E. Yarshater

#### ب) مقالات

-احمدی، داریوش. (۱۳۸۶). «جایگاه داریوش بزرگ در

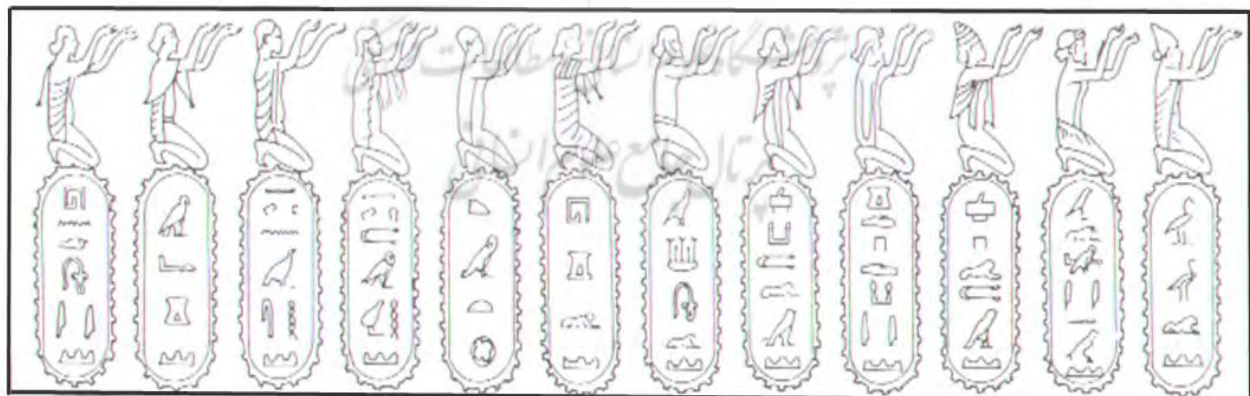
- Haerinck, E. (1997). "Babylonia under Achaemenid Rule", John Curtis (Ed), Mesopotamia and Iran in the Persian Period: Conquest and Imperialism 539- 331 BC, British: British Museum Press.
- Imanpour, M.T. (2010). "The Communication Roads in Parsa during the Achaemenid", in: *Ancient and Middle Iranian Studies*, Proceeding of the 6 th European Conference of Iranian Studies, held in Viennam 18-22 September 2007. Edited by Maria Macuch, Dieter Weber & Desmond Durkin – Meisterernst, Harrassowitz Verlag. Wiesbaden, (from P 87 to P 98).
- Elayi, J. (1980). "The Phoenician Cities in the Persian Period," *The Journal of the Ancient Near Eastern Society of Columbia University* 12, (from P 13 to P 28).
- Hallock, R. T. (1969). *Persepolis Fortification Tablets*, Chicago & Illinois: Chicago University Press.
- Meadows, Andrew R. (2005). "The Administration of the Achaemenid Empire", John Curtis and Nigel Tallis(Ed), in: *Forgotten Persian Empire: The world of Ancient Persia*, London: British Museum, (from P 181 to P 210).
- Morley, Neville.(2007). *Trade in classical Antiquity*, Cambridge, New York: Cambridge University Press.
- Rostovtzeff, M. (1941). *the Social and Economic History of the Hellenistic World*, Vol. I, Oxford: Clarendon Press.
- Tallis, Nigel.(2005). "Transport and warfare", John Curtis and Nigel Tallis(Ed), in: *Forgotten Persian Empire: The world of Ancient Persia*, London: British Museum, (from P 210 to P 235).
- (Ed), *Encyclopedia Iranica*, Vol.6, PP.14-15, London, first edition.
- Allen, Lindsay.(2005). *The Persian: A History*, London: The British Museum Press, first edition.
- Briant, P. (2005). "History of the Persian Empire 550-330BC", John Curtis and Nigel Tallis(Ed), in: *Forgotten Persian Empire: The world of Ancient Persia*, London: British Museum, (from P 12 to P18).
- Brosius, M. (2000). *The Persian Empire from Cyrus II to Artaxerxes I*. LACTOR16: London, first edition.
- Idem. (2006). *The Persians*, New York: Rutledge, first edition.
- Cook, J.M. (1983). *The Persian Empire*, London: Chaucer press, first edition.
- Curtis J. and Shahrokh Razmjo. (2005). "The Palaces", in: *Forgotten Persian Empire: The world of Ancient Persia*, edited by John Curtis and Nigel Tallis, London: British Museum, (from P 50 to P 103).
- Dandamayev, M. A. (1998). "Economy III in the Achaemenid period" in: E. Yarshater (ed.) *Encyclopedia Iranica*, Vol. VIII, Fasc. 1, (from P 101 to P 104).
- Idem. (1993). "Commerce II in the Achaemenid period" in: E. Yarshater (ed.) *Encyclopedia Iranica*, Vol. VI, Fasc. 1, (from P 59 to P 61).
- Idem. & V. G. Lukonin. (1989). *The Culture and Social Institution of Ancient Iran*, Cambridge: Cambridge University Press, first edition.
- Dusinberre, Elspeth R. M. (2010). "Anatolian crossroads: Achaemenid seals from Sardis and Gordion", John Curtis & St John Simpson(Ed), *the world of Achaemenid Persia: history, art and society in Iran and the ancient Near East*, London: Tauris & Co Ltd in association with the Iran Heritage Foundation, (from P 323 to P 335).

- Empire: The Eastern Iranian Evidence, E. J. Brill, Leiden, New York, and Koln.
- Weber, Max. (1976). *The Agrarian Sociology of Ancient Civilization*, London: NLB. Translated by R. I. Frank.
- Wiesehöfer, J. (2009). "The Achaemenid Empire", Ian Morris and Walter Scheidel (Ed), *the dynamics of ancient Empires State power from Assyria to Byzantium*, New York: Oxford University Press, (from P 66 to P 98).
- Xenophon (1947). *Anabasis*, C. L. Browson (trans.) in two vols, Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Tavernier, J. (2007). *Iranica in the Achaemenid period (ca. 550-330B.C.): lexicon of Old Iranian proper names and loanwords, attested in non-Iranian texts*, Peeters Publisherers & Department of Oriental Studies Bondgenotenlaan: Leuven-Paris-Dudley, MA.
- Kent, R.G. (1953). *Old Persian, Grammar, Texts, Lexicon*, New Haven: American Oriental Society, second edition.
- Kuhrt, A. (1983). "The Cyrus Cylinder and Achaemenid Imperial Policy," *Journal for the Study of the Old Testament* 25, (from P 83 to P 97).
- Idem. (2007). *The Persian Empire: A Corpus of sources from the Achaemenid Period*, vol.1&2, Routledge: New York.
- Vogelsang, W. J, (1992), *the Rise and Organization of the Achaemenid*

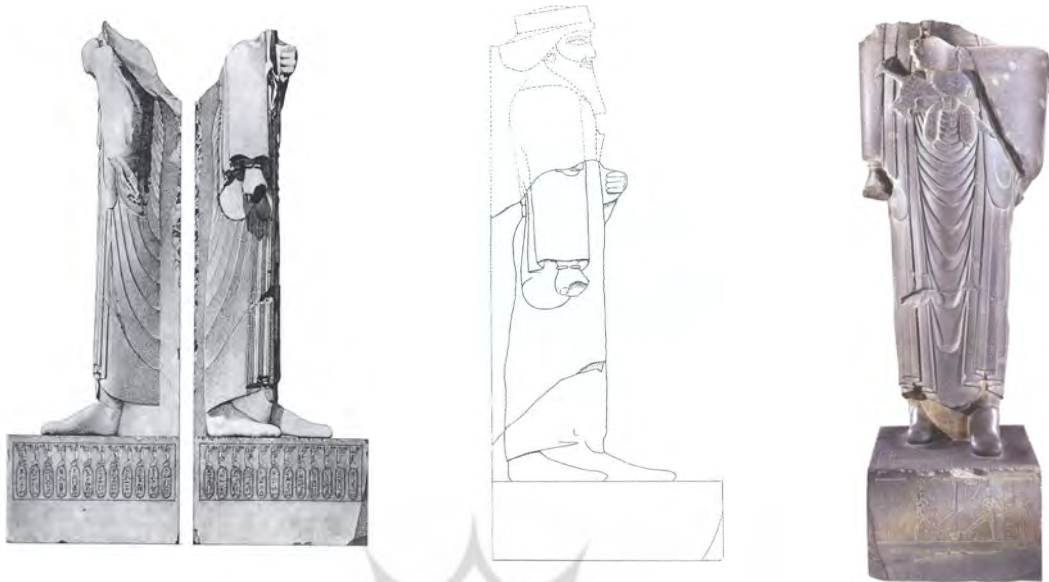


جدول ۱: حوزه‌های مالیاتی بنا بر گزارش هرودوت (Meadows, 2005: 183; III, §89-94)

ردیف	حوزه مالیاتی یا ساتراپی‌ها	میزان مالیات به تالان	میزان مالیات به کیلوگرم نقره
۱	ایونی‌ها، مگنسیایی‌ها، اثولی‌ها، کاری‌ها، لوکی‌ها، میلی‌ها و پامفولی‌ها	۴۰۰	۱۳۶۰۰
۲	موسیایی‌ها، لودی‌ها، لاسونی‌ها، کابالی‌ها و هیتی‌ها	۵۰۰	۱۷۰۰۰
۳	هلپونت، فروگیان، تراکیه‌ای‌های آسیا، پافلاگونی‌ها، ماریاندی‌ها و سوری‌ها	۳۶۰	۱۲۲۴۰
۴	کیلکی‌ها	۳۶۰	۱۲۲۴۰
۵	فینیقیه‌ای‌ها، فلسطین و قبرس	۳۵۰	۱۱۹۰
۶	مصر، لیبی	۷۰۰	۲۳۸۰۰
۷	سنگیدی‌ها، قندهاری‌ها، دادیکه‌ها، آپارتیه‌ها	۱۷۰	۵۷۸۰
۸	شوش	۳۰۰	۱۰۲۰۰
۹	بابل، آشور	۱۰۰۰	۳۴۰۰۰
۱۰	مادها، پاریکانیان، اورتوکوریانت‌ها	۴۵۰	۱۵۳۰۰
۱۱	کاسپی‌ها، پوسیکاه‌ها، پانتی‌ماتی‌ها، داریت‌ها	۲۰۰	۶۸۰۰
۱۲	بلخیان	۳۶۰	۱۲۲۴۰
۱۳	پاکتیان، ارمنیان	۴۰۰	۱۳۶۰۰
۱۴	ساگارتیان، زرنگیان، تامانی‌ها، اوتیایی‌ها، موکیایی‌ها	۶۰۰	۲۰۴۰۰
۱۵	سکاها و کاسپی‌ها	۲۵۰	۸۵۰۰
۱۶	پارت‌ها، خوارزمی‌ها، سغدی‌ها و آریاها (هراتی‌ها)	۳۰۰	۱۰۲۰۰
۱۷	پاریکانیان و اتیوپی‌های آسیا	۴۰۰	۱۳۶۰۵
۱۸	ماتیانین، ساسپری‌ها، آلودیان	۲۰۰	۶۸۰۰
۱۹	موسک‌ها، تیبارنی‌ها، ماکرون‌ها، موسونونکیایی‌ها و مارها	۳۰۰	۱۰۲۰۰
۲۰	هندیان	۳۶۰ (طلا)	۱۲۲۳۹۹
جمع کل	هر یک تالان برابر با ۳۴ کیلوگرم است. میزان کل مالیات سالانه هخامنشیان	۷۹۶۰ تالان	۳۷۰۰۹۴ کیلوگرم نقره



بابل، ارمنی، لیدیایی، کاپادوکیه‌ای، تراکیایی، آشوری، عرب، مصری، لیبیایی، حبشی، مکرانی، هندی



تصویر ۱: ساتراپ‌نشین‌های غربی هخامنشی (به جز مکرانی و هندی) بر پایه مجسمه داریوش در موزه ملی ایران باستان (Kuhrt, 2007: 480-482/2 ; Curtis, 2005: 99; Vogelsang, 1992: 144)

